

به یاد دوست: عارف (علی) پاینده

محمد حسین خسروپناه



سخن از پلی می‌گوید که وجود ندارد، ولی تکه به تکه، با گام‌های کسی که جرأت می‌کند پایش را روی پرتگاه بگذارد، ساخته می‌شود. شاید این پُل هرگز به طرف مقابل، که آن هم چه بسا سرابی بیش نباشد، نرسد؛ انسانی در حال شدن که هرگز به کمال نمی‌رسد، پلی که به درازنای شهادت اوست پیش می‌رود. چنین است سرگذشت قهرمان‌ها و ناظران‌ها...

مانس اشپربر

سحرگاه جمعه ۲۷ خرداد ۱۴۰۱ قلب عارف (علی) پاینده از فعالان سیاسی جنبش چپ ایران در دهه‌های سی تا شصت خورشیدی، از تپش باز ایستد و جان شیفته‌اش آرام گرفت. عارف پاینده که در بین دوستان به نام علی شهرت داشت، در ۱۵ خرداد ۱۳۲۱ در روستای سلوط از توابع اردبیل به دنیا آمد. خانواده‌ی پدری و مادری او از نسل دوم ایرانیانی بودند که در دوره‌ی قاجار برای کار کردن و به امید دستیابی به زندگی بهتر به باکو مهاجرت کردند؛ در سال ۱۹۳۹/۱۳۱۷ چون حاضر نشدند تابعیت ایران را ترک کنند از شوروی اخراج شدند و به ایران آمدند. خانواده‌ی پاینده در روستای سلوط ساکن شدند و در پاییز ۱۳۲۱ به تهران مهاجرت کردند.

دوران نوجوانی علی همزمان با نهضت ملی شدن صنعت نفت بود و تحت تاثیر دایی و جوّ سیاسی دبستان هاتف هوادار سازمان دانش‌آموزی حزب توده‌ی ایران شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به تدریج منتقد این حزب شد و به همراه شماری از دانش-آموزان سیاسی به جستجوی راهی دیگر برای مبارزه با حکومت شاه برآمد. در سال ۱۳۳۷ عضو «سازمان دانش‌آموزان» شد که در همان سال، سعید کلانتری، علی اکبر صفایی فراهانی، عزیز سرمدی و ... تشکیل داده بودند و بیژن جزنی بر آن نظارت داشت.

پس از انحلال سازمان دانش‌آموزان (۱۳۴۰)، پاینده عضو محفل‌ها و گروه‌های سیاسی چپ مانند: «گروه اول ماه مه»، «کمیته‌ی انقلابی حزب توده‌ی ایران»، گروه «جریان»، «سازمان مارکسیستی لنینیستی طوفان» بود. صبح روز ۹ دی ۱۳۴۹، مأموران ساواک علی پاینده را به علت همکاری با سازمان طوفان بازداشت کردند و در دادگاه نظامی بدوی به ۱۰ و در دادگاه تجدیدنظر (۲۸ اسفند ۱۳۵۱) به پنج سال

حبس محکوم شد. و این در حالی بود که علی عضو سازمان طوفان نبود بلکه با این سازمان همکاری می‌کرد و در پاییز ۱۳۴۹ به همراه چند نفر از دوستانش در پی تشکیل گروهی با مشی مسلحانه بود. دوره‌ی محکومیتش را در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های قزل قلعه، عشرت‌آباد، کمیتته‌ی مشترک، قصر، قزل حصار گذراند، دو سال هم در زندان اوین «ملی‌کشی» کرد و روز نهم مرداد ۱۳۵۶ از زندان آزاد شد.

پس از انقلاب، پاینده به فعالیت سیاسی ادامه داد و ضمن دوستی و ارتباط گسترده-ای که با فعالان سیاسی گروه‌های مختلف چپ و ملی داشت، به همراه **صارم‌الدین صادق وزیر، باقر مؤمنی، پرویز بابایی، یوسف قریب** و ... گروهی تشکیل دادند و علی از فعالان بخش کارگری آن بود. در این دوره هم پاینده سه سال زندان بود. «آنچه بر من گذشت» خاطرات سیاسی علی پاینده است که با هدف کمک به آسیب‌شناسی جنبش چپ ایران تدوین شده است. جمله‌های پایانی آن کتاب جمع‌بندی علی از زندگی سیاسی خود و هم نسلانش است:

«مبارزه مقوله‌ای است ضمن این که جانبداری سیاسی و اجتماعی دارد علم مخصوص به خود را هم می‌طلبد. نسل ما، که من کم‌ترین آن هستم، اگر نتوانستیم از توانایی‌های خود کمال بهره را ببریم حداقل به این نتیجه رسیدیم که به اندازه‌ی کافی از دانش مبارزاتی لازم و بینش‌های منطبق با معیارهای جهانی برخوردار نبودیم. ای کاش معلمانی داشتیم که به ما می‌آموختند مبارزه فقط سلحشوری و آرمان‌گرایی نیست بلکه قصه‌ی حِلْم است و صبوری است و ایستادگی و به کار گرفتن آموخته‌ها در راه ارتقا و اعتلای لحظه به لحظه‌ی دانسته‌ها و فعالیت‌ها. امید آن که آیندگان آنچه که ما نتوانستیم به سرانجام برسانیم با آموختن از تجربه‌های مبارزان پیشین و توانایی‌های خود به سرانجام برسانند.»